خبر

## رقابت سنگین آثار دفاع مقدس در جشنواره فجر

محمدحسین لطیفی با اشاره به تنوع ژانرها در میان آثار راه‌یافته به چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر گفت: رقابت در میان آثار دفاع مقدسی که به این دوره از جشنواره راه‌یافته‌اند سنگین است.

این کارگردان سینما و تلویزیون در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: امیدوارم جشنواره فجر امسال، جشنواره خوبی باشد چون ۴ـ۵ اثر از کار اولی‌ها به بخش سودای سیمرغ راه‌یافته‌اند و این نشان می‌دهد که جوانان به‌خوبی جلو می‌آیند و موقع عرض‌اندام‌شان است. امید است در این رقابت اتفاق خوبی برای همه بیفتد.

کارگردان فیلم‌های «غریب» و «روز سوم» افزود: امروز جوان‌هایی که فیلم‌های دفاع‌مقدسی می‌سازند و موفق هستند از ما جلوترند. چون من جنگ را از نزدیک دیده‌ام و این جوانان آن برهه را ندیده‌اند. این جوانان اگر بتوانند به سینمای دفاع مقدس نزدیک شوند یک امتیاز برای آنهاست.

این فیلمساز درباره استفاده جوانان از تجربه‌های پیشکسوتان در ساخت آثار دفاع‌مقدسی برای حضور در جشنواره فجر هم گفت: عموما این کار را انجام می‌دهند، درغیراین‌صورت موفق نمی‌شوند. آنهایی که موفق شدند کسانی بودند که از تجربیات استفاده کردند و با شهدای زنده جنگ نشست‌وبرخاست داشتند.

گفت‌وگو با مجید رستگار، پرکارترین کارگردان چهاردهمین جشنواره فیلم عمار

# یالمار شاخت؛ مردی با کیف قرمز

## فیلمی که تماشای آن برای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران حوزه اقتصاد واجب است!

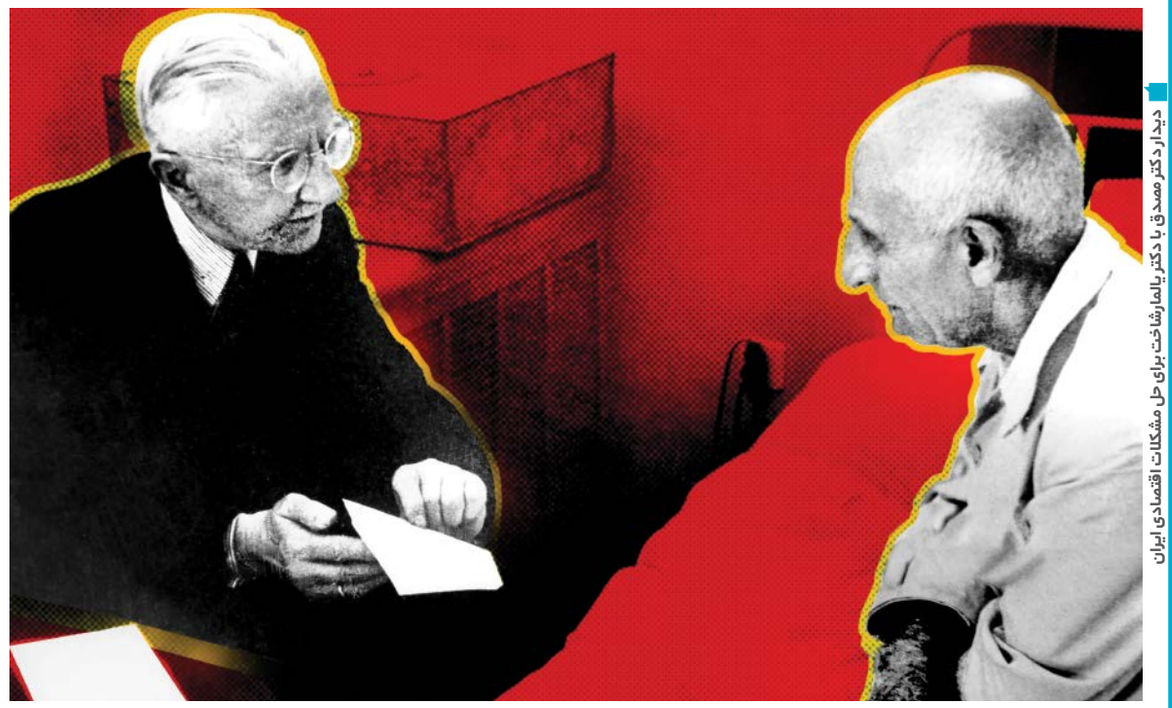

دیدار دکتر مصدق با دکتر یالمارشاخت برای حل مشکلات اقتصادی ایران

علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

**اگرچه تماشای مستند «مردی با کیف قرمز» محصول سفیرفیلم می‌تواند برای مخاطبان اختیاری باشد اما باید دیدن آن را به‌عنوان واحد و درسی اجباری برای اهالی دولت و به‌ویژه بخش اقتصادی‌اش درنظر گرفت، بلکه مسیری که یالمار شاخت، کمیسر مالی و اقتصادی آلمان در پایان جنگ جهانی اول طی می‌کند و اقداماتی عاجل و موثر اقتصادی که برای برون‌رفت یک کشور جنگ‌زده از هر نظر انجام می‌دهد، نقشه راه مسئولان اقتصادی و دولتی ایران هم باشد تا چاره‌ای عملی برای وضعیت نامناسب اقتصادی موجود بیندیشند. مجید رستگار که او را با کارگردانی سریال تلویزیونی «وضعیت زرد»، مجموعه نمایشی «مسابقه کهکشان» و مستند «عابدان کهنز» می‌شناسیم، با ساخت مستند مردی با کیف قرمز، ضمن روایتی از کارهای موثر یالمار شاخت، نقبی هم به ایرانِ دوران دکتر مصدق، تلاش او برای حل ریشه‌ای مشکلات اقتصادی با بهره‌گیری از نظرات شاخت و رهایی از اقتصاد نفتی می‌زند که البته با سنگ‌اندازی آمریکا و انگلیس ناکام می‌ماند. رستگار البته به‌جز این فیلم، با دو مستند دغدغه‌مند دیگر «لاتارینو» و «کدهای سیاه» هم در بخش مسابقه چهاردهمین جشنواره فیلم عمار حضور دارد و به عبارتی پرکارترین کارگردان این رویداد هم است.**

**؟ در نگاه اول، انتخاب شخصیتی مثل یالمار شاخت، کمیسر مالی و ژنرال تام‌الاختیار اقتصاد جنگی در آلمان سال‌های پس از جنگ جهانی اول، برای یک مستند ایرانی کمی عجیب به‌نظر می‌رسد اما با توجه به ماجراهای واقعی و تاریخی که در فیلم اشاره می‌شود، پیوند و اتصال او با ایران اهمیت می‌یابد و مخاطب کنجکاوانه ماجرای او را پیگیری می‌کند. چطور برای یک روایت مستند به یالمار شاخت و اتصال او با ایران و طرح موضوعاتی چون تحریم‌ها و دشمنی و سنگ‌اندازی آمریکا و انگلیس رسیدید؟**

در فیلمنامه بود که به این روند و قلاب‌کردن موضوعات مختلف رسیدم. این اتصال در مرحله پژوهش چندان عمیق نبود اما در قصه سعی کردم پیوند عمیق‌تری میان شخصیت شاخت، ایران و موضوعات مختلف ایجاد کنم. در پژوهش می‌دانستیم که ارتباطی بین شاخت و ایران وجود دارد و مصدق از این چهره اقتصادی آلمان می‌خواهد به ایران بیاید تا دیدار و گفت‌وگویی با هم برای حل مشکلات اقتصادی کشور داشته باشند اما در مرحله متن و فیلمنامه، روایت و این اتصالات را دراماتیزه و جذاب و بر تعلیق ماجرا اضافه کردم. روایت مستند، فلاش‌بک و فلاش فوروارد دارد و مدام در حال رفت و برگشت میان سال‌های مختلف است.

**؟ چون تقریبا همه فیلم، آرشیوی است، این رفت و برگشت‌ها، کارهای گرافیکی، کلاژموشن و موشن پیکچر باعث جذابیت مستند و همراهی مخاطب با آن می‌شود.**

یکی از دلایلی که سراغ ساخت مستند مردی با کیف قرمز و همچنین فیلم‌های لاتارینو و کدهای سیاه رفتم، خاص بودن سوژه‌های آنها بود. مردی با کیف قرمز سوژه خاص و جذابی داشت که من هم از ابتدا اطلاعی درباره آن نداشتم اما بعد که در پژوهش‌ها به شخصیت یالمار شاخت، نقش او در تحول اقتصادی آلمان و ارتباطش با ایران و سنگ‌اندازی انگلیس و آمریکا رسیدم، این خط و ربط‌ها شکل پررنگ‌تری به خود گرفت. آن رفت و برگشت‌های زمانی، کلاژ و کارهای گرافیکی هم برای ایجاد جذابیت بیشتر و همراهی بهتر مخاطب انجام شده است. وقتی فیلمساز سوژه و قصه را دوست داشته باشد، یک سری راه‌های خلاقانه را هم برای روایت آن پیدا می‌کند.

**؟ آن کیف قرمز به نماد شخصیت شاخت تبدیل می‌شود و حتی با توجه به مضمون و محتوا و اتفاقات فیلم، رنگ کیف هم معنای متناسبی می‌یابد. البته در عکس‌های موجود شاخت در اینترنت که تقریبا همگی آنها سیاه و سفید هستند، من کیفِ قرمزی ندیدم. واقعا رنگ کیف، قرمز بود؟**

(می‌خندد) بله، قرمز بود. این کیف قرمز را به این دلیل تبدیل به نماد شخصیت و فیلم کردم که بگوییم این آدم همیشه چیزی در چنته داشت. همه آن محتویات و یادداشت‌های داخل کیف، در واقع برآیندی از نگاه و تفکر شخصیت شاخت است. او کسی است که می‌خواست هیتلر را به دلیل خشونت و کارهای غیرانسانی‌اش ترور کند. شاخت معتقد بود ما مشغول ساختن مملکت خودمان (آلمان) بودیم اما هیتلر جنگ بزرگی راه انداخت. یک فیلم سینمایی هم درباره سوءقصد به هیتلر ساخته شد که تام کروز نقش اصلی آن را بازی می‌کرد.

**؟ «والکیری» به کارگردانی برایان سینگر. البته در این فیلم شخصیت شاخت غایب است.**

بله، در آن فیلم نقشی که تام کروز بازی می‌کند (سرهنگ فون اشتاوفنبرگ) اجراکننده عملیات ترور هیتلر است اما در واقعیت یکی از سران حلقه فکری ترور هیتلر شخصیت شاخت بود. او کشورش را از یک وضعیت بحرانی به نقطه اوج می‌رساند اما شخصی مثل هیتلر می‌آید و به دلیل قدرت‌طلبی‌اش، نمی‌خواهد غرامت مربوط به جنگ جهانی اول را پرداخت کند. جالب اینجاست که شاخت در آلمان در برهه‌ای، خیلی پرطرفدارتر از هیتلر بود. هیتلر هم به این دلیل که شاخت خیلی پرطرفدار بود و خدمت‌هایی به خود او و کشور آلمان کرده بود، این چهره محبوب و تاثیرگذار را اعدام نمی‌کند. برای روایت این مستند سعی کردم قصه از بین نرود، چون حجم پژوهش خیلی گسترده بود و منابع زیادی مطالعه شد و به جز کتاب‌هایی که در تیتراژ پایانی به آن اشاره می‌شود، مستندهای زیادی را هم در این حوزه و درباره جنگ جهانی، یالمار شاخت و... دیدیم. اما نکته مهم‌تر فیلم، پیوند و ارتباط این موارد با ایران بود.

**؟ اتصالات و پیوندهای فیلم و رفت و برگشت‌ها هم در لحظات و بزنگاه‌های درست و به موقع و در یک روایت غیرخطی اتفاق می‌افتد.**

اگر فیلم روایتی خطی داشت، مخاطب آن را پس می‌زد. مستند باید روایت جذابی داشته باشد تا هم مخاطب خاص آن را بپسندد و هم مخاطب عام آن را دنبال کند. اگر فیلم، روایت خطی و ترتیبی داشت و از جنگ جهانی اول شروع می‌کردم و بعد به جنگ جهانی دوم و بعد به ایران می‌رسیدم، کار برای مخاطب خسته‌کننده می‌شد و از این روایت خطی استقبال نمی‌کرد.

**؟ یکی از ویژگی‌های فیلم این است که با وجود روایت موازی آلمانِ دوران شاخت و ایرانِ دوران مصدق، برخی از موارد مطروحه در مستند، شبیه نمونه‌های مشابه در ایرانِ این سال‌ها و این روزهاست، مثل سرعت چاپ پول در آلمان برای عبور ظاهری از بحران اقتصادی که در برخی دولت‌های ایران هم انجام شد.**

می‌خواستیم فیلم لایه‌های این چنینی هم داشته باشد و معادل و مابه‌ازاهایی از گذشته تا امروز را در مستند ببینیم. این‌که تجربه اشتباه و ناموفق چاپ پول در آلمان آن دوران، می‌تواند درس و عبرتی برای ایرانِ امروز باشد. در واقع این مستند به جز روایت تاریخی، یک آموزش هم می‌دهد که برای مدیریت بهتر اقتصاد، کتاب‌های یالمار شاخت را بخوانید و کارها و عملکرد مثبت او را در اقتصاد آلمان ببینید؛ این‌که شاخت چه روشی را در پیش می‌گیرد که مردم به او اعتماد کنند و سرمایه‌شان را در اختیار دولت بگذارند. از آن سو هم دولت پاسخ مناسبی به این اعتماد می‌دهد. یکی از مهم‌ترین پیشنهادهای شاخت، تامین مسکن همه مردم بود تا دیگر سرمایه‌شان را صرف تجارت معاملات مسکن نکنند و این سرمایه را در تولید کشور به کار بگیرند. چون به اعتقاد او، وقتی کسی دغدغه مسکن نداشته باشد، می‌تواند در تولید و خرید و فروش ورود کند و باعث چرخش بالاتر اقتصادی و درنهایت پیشرفت کشور شود.

**؟ موضوع مسکن به قدری مهم است که شاخت تاکید ویژه‌ای بر آن داشت و شما هم چند بار به نقل از او در فیلم مطرح می‌کنید. درحالی‌که هیچ‌کدام از دولت‌های ما به اهمیت واقعی این موضوع در پیشرفت کشور پی نبرده‌اند و بعد از این همه سال هنوز اقدام موثری درباره آن نکرده‌اند و اصلا انگار عزمی جدی برای رفع این معضل ندارند. حالا هم که این وام‌های جدید خرید مسکن و با این شرایط و با ماهی ۲۰ میلیون تومان قسط، بیشتر شبیه یک شوخی تلخ و دهن‌کجی به ملت است.**

البته در میان سران دولت‌های این چند سال اخیر، آقای احمدی‌نژاد دغدغه تامین مسکن برای مردم را داشت اما متاسفانه دولت‌های بعدی راهکار مناسبی در این خصوص نداشتند و برنامه‌های‌شان نتیجه کارآمدی در پی نداشت. درحالی که دولت باید اقدامی عملی و سریع برای خانه‌دارشدن همه مردم انجام دهد. وقتی این تامین مسکن اتفاق بیفتد، بازار برج‌سازان و دلالان هم تعطیل می‌شود.

**؟ همین الان مثل دلالان یهودی سال‌های دور آلمان که از فقر و نداری مردم، پروارتر و سرمایه‌دارتر شدند، در ایران هم دور، دورِ دلالان است و آنها از نیازِ مردم به مسکن و اوضاع بد معیشتی و اقتصادی‌شان، نهایت سوءاستفاده را می‌کنند.**

دقیقا همین است و عملا ما به‌ازای آن سودجویان را در جامعه امروز ایران می‌بینیم. منتها در آلمانِ آن زمان شخصی مثل شاخت بود که جلوی اشتباهات اقتصادی را بگیرد اما در ایران کسی نیست. البته تلاش‌هایی صورت می‌گیرد اما عمیق نیست. وقتی شاخت مسئولیت امور اقتصادی را به عهده می‌گیرد، اول چاره‌ای برای معضل مسکن می‌اندیشد و بعد هم پیشنهاد می‌دهد مردم به صنعت ورود کنند. در مستند لاتارینو هم همین بحث را مطرح می‌کنم که به جای این‌که نخبه کشور را به صنعت وصل کنیم او را تبدیل به نیرویی پشت میز نشین کردیم و به او گفتیم ایده‌ای برای استارت آپ بده. شما با این کار، باعث فلج شدن صنعت کشور می‌شوید و پنج تا ۱۰ سال نخبه‌ها را از صنعت دور می‌کنید. ثمره این اقدام، مقابله با کدام تحریم است؟

**؟ تحریم هم از موضوعات مشابهی است که هم آلمانِ آن سال‌ها با آن مواجه بود و هم ایرانِ این سال‌ها. با وجود این‌که جنس و دلیل تحریم‌ها متفاوت است اما بعضی راهکارهای شاخت می‌تواند پیشنهاد و الگویی برای مقابله با تحریم‌های ایران هم باشد.**

دقیقا. به‌نظرم کسی که اقتصاد خوانده، شاخت را می‌شناسد و می‌تواند به مسیری که او رفته فکر کند و معادل‌هایی برای اجرایی‌کردن‌شان در ایرانِ امروز درنظر بگیرد.

**؟ برای حل مشکلات اقتصادی و مسکن و... امروز چقدر به شخصیتی مثل شاخت نیاز داریم؟**

واقعا. ایران به یک منجی اقتصادی نیاز دارد. اما تا وقتی در بخش‌هایی از بدنه دولت و مجلس و بخش‌های دیگر، افرادی هستند که نفع‌شان در همین وضعیت است، مجال کار به شخصیتی مثل شاخت حتی در صورت وجود هم داده نمی‌شود.

**؟ بازیکی از شباهت‌های آلمان در دوران بحران اقتصادی با ایرانِ امروز، حذف صفر از مارک (واحد پولی آلمان در گذشته) است.**

البته شاخت بعد از حذف صفر، کاری می‌کند که کسی اجازه خرید و فروش دلار را نداشته باشد اما اینجا صرافی‌ها برای همین معاملات دلاری، ایجادِ دلال و تورم می‌کنند. شاخت برای رفع چنین معضلاتی، دلال‌ها را جمع و کاری کرد مردم دلارهای‌شان را فقط به دولت و بانک‌ها بدهند. وضعیت دلار به این شکل کنترل شد. با چنین وضعیتی دیگر بیزینس دلار، طلا و ملک به‌وجود نمی‌آید. وقتی کسی جواب نمی‌دهد که چطور ماشین یک میلیارد تومانی در امارات به محض ورود به ایران تبدیل به چهارمیلیارد تومان می‌شود و چطور پرایدی که یک هزارم آپشن ماشین خوب خارجی را ندارد، به قیمت ماشین لوکس کره‌ای فروش می‌رود و... وضعیت اقتصادی ما همین خواهد بود. به نظرم دلالانی که نان این وضعیت معیشتی و اقتصادی نامناسب ملت را می‌خورند، خائن هستند.

**؟ به عنوان پرکارترین کارگردان این دوره جشنواره عمار، نظرتان را درباره این رویداد هم بگویید.**

جشنواره عمار، ظرفیت بزرگی است، چون به سوژه‌ها و موضوعات متنوع و دیده‌نشده‌ای امکان طرح و نمایش می‌دهد. عمار تکمیل‌کننده جشنواره‌های دیگر به لحاظ پرداخت به سوژه‌هاست و آثاری در زمینه نقد درون‌گفتمانی، ملت قهرمان و موضوعات متنوع دیگر را دربرمی‌گیرد. عمار، جشنواره‌ای از دل مردم است و با وجود برگزاری استاندارد و حرفه‌ای، فضای خودمانی و صمیمانه‌ای دارد.

**جشنواره عمار ظرفیت بزرگی است، چون به سوژه‌ها و موضوعات متنوع و دیده‌نشده‌ای امکان طرح و نمایش می‌دهد**

برش

## از تسخیر لانه جاسوسی تا نقد معاونت علمی

مجید رستگار به‌جز فیلم «مردی با کیف قرمز» با دو مستند دیگر هم در بخش مسابقه چهاردهمین جشنواره مردمی فیلم عمار حضور دارد: «کدهای سیاه» و «لاتارینو». رستگار درباره کدهای سیاه می‌گوید: این فیلم از منظر متفاوتی به تسخیر لانه جاسوسی می‌پردازد. بحث اصلی در این فیلم بی‌اعتنایی رسانه‌های فرهنگی ما به چنین سوژه‌ای است، این‌که آمریکا چگونه طی این سال‌ها چندین فیلم و سریال داستانی، مستند و نمایش و کتاب در این زمینه تولید کرده و علاوه‌برآن پرداختن به این مسأله، جزو مباحث اصلی و درسی دانشجویان‌شان است اما در کشور ما همه چیز به یک روز ۱۳ آبان محدود می‌شود و این ماجرا شکل یک عادت و تقلیدی دارد که انگار هر سال باید انجام دهیم. یعنی مسأله تسخیر لانه جاسوسی، باز و پرداخت و تبیین نمی‌شود. مستند کدهای سیاه این مسأله را باز کرده است و به این می‌پردازد که آمریکا چگونه با قدرت رسانه‌ای و با وجود اسناد مختلف و معتبر موجود درباره جاسوسی ایالات‌متحده، واقعیت را طور دیگری مطرح می‌کند. کدهای سیاه از این منظر پژوهش خیلی دقیقی دارد و مخاطب برای اولین بار موارد تازه‌ای درباره تسخیر لانه جاسوسی می‌بیند. مخاطبان حرفه‌ای فعال در سینما و تلویزیون با دیدن این مستند و این تحقیق و پژوهش می‌توانند ده‌ها فیلم و سریال و مستند تولید کنند. رستگار درباره لاتارینو هم اشاره می‌کند: این مستند درباره عملکرد ۱۰ساله معاونت علمی است اما چون محتوای آن خیلی پیچیده و درعین‌حال پراکنده بود، نیاز به یک راوی داشت تا این محتوا را به یکدیگر قلاب کند و قصه را پیش ببرد. بنابراین سعی کردم در فیلمنامه‌ای که می‌نویسم، این پیوند بخش‌های مختلف محتوا را حفظ کنم. در لاتارینو به این پرداختم که چگونه و چرا معاونت علمی طی ۱۰ سال از آن ریل‌گذاری و هدف اصلی و اولیه خود خارج شده است. یعنی از جایی که قرار بود مهاجرت معکوس ایجاد کند، بیشتر مهاجرت ایجاد کرده است. از سوی دیگر ریل‌گذاری بلایی سر این سیستم آورد که عده‌ای سوءاستفاده هم کردند. نتیجه این سوءمدیریت، خانه‌های خلاقی شد که حالا ۷۰ درصد آن تعطیل است. در لاتارینو به این اشاره می‌کنیم که معاونت علمی باید بیشتر روی یافتن نخبه‌ها و بحث دانش‌بنیان‌ها و رفع تحریم‌ها تمرکز و نخبه‌ها را به صنعت و زیرساخت‌های کشور وصل می‌کرد اما درعوض به کارهای سطحی و صرف هزینه‌های کلان پرداخت که نتایج مطلوبی نداشت.

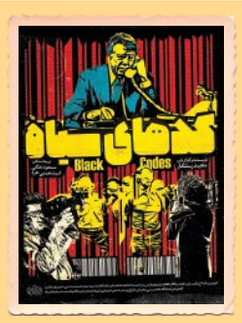


قاب

## شب طنز در جشنواره عمار

**بیست‌ونهمین شب طنز انقلاب اسلامی به نام «نطنز» به میزبانی جشنواره عمار و به همت باشگاه طنز انقلاب اسلامی، ۲۷ دی‌ماه از ساعت ۱۸ تا ۲۰ در سینما فلسطین شهر تهران برگزار می‌شود. این برنامه شامل بخش‌های متنوعی از جمله استندآپ کمدی، موسیقی طنز، شعر و نثرخوانی طنز، پخش کلیپ، مسابقه، ایستگاه کاریکاتور و... است. موضوع اصلی نطنز بیست‌ونهم، شکست غیرقابل‌ترمیم رژیم‌صهیونیستی در عملیات طوفان‌الاقصی با عنوان محوری «جاش خوب نمی‌شه!» است. مهمان ویژه این برنامه، مازیار بیژنی کارتونیست است که قرار است از او به سبک برنامه نطنز تجلیل شود. حضور در این برنامه برای همه علاقه‌مندان آزاد و رایگان است.**

رویداد

## انتصاب دبیر جشنواره فیلم کوتاه تهران

محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی طی حکمی مهدی آذرپندار را به‌عنوان دبیر چهل‌ویکمین دوره جشنواره فیلم کوتاه تهران منصوب کرد.

برنامه‌ریزی برای برگزاری جشنواره فیلم کوتاه تهران در تعدادی از استان‌های منتخب به جهت فراگیری بیشتر جشنواره و بهره‌مندی هرچه بیشتر علاقه‌مندان فیلم کوتاه از آثار جشنواره در استان‌ها، تداوم توجه ویژه به ظرفیت‌ها و استعدادهای استان‌ها و مناطق مختلف کشور با تکیه بر مفهوم عدالت فرهنگی و تقویت حضور فیلمسازان استانی در بین آثار منتخب جشنواره، تداوم رویکرد حمایتی از تنوع گونه‌ها در جشنواره با تاکید بر اصل امید، اخلاق و آگاهی، تقویت سینمای ملی و بومی و توجه به اقلیم‌ها، توجه به مقوله دیپلماسی فرهنگی در حوزه بین‌الملل، ایجاد ارتباط با جشنواره‌های همسو و مهیا کردن بستری مناسب برای حضور کشورهای صاحب سینما به‌ویژه کشورهای دارای مشترکات دینی، فرهنگی و گفتمانی و توجه به مباحث روز، دغدغه‌های ملی و اساسی کشور، مباحث استراتژیک حوزه بین‌الملل و نگاه‌های امیدآفرین در انتخاب آثار جشنواره ازجمله موضوعاتی هستند که در حکم رئیس سازمان سینمایی برای برگزاری جشنواره فیلم کوتاه تهران بر آنها تاکید شده است.

تولید

## مهران غفوریان با «آبی روشن» در جشنواره فجر

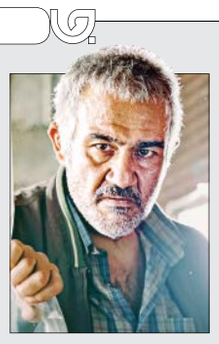

با نزدیک شدن به چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر، نخستین تصویر از مهران غفوریان در فیلم سینمایی «آبی روشن» به کارگردانی بابک خواجه‌پاشا و تهیه‌کنندگی سیدمحمدحسین میری منتشر شد. آبی روشن در بخش سودای سیمرغ چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر حضور دارد و این روزها آخرین مراحل پس‌تولید خود را سپری می‌کند. در این فیلم سینمایی بازیگرانی همچون مهران احمدی، مهران غفوریان، سارا حاتمی، مرتضی امینی‌تبار، روحا... زمانی، علی‌اکبر اصانلو و کاظم هژیرآزاد و سامان مهکویه به ایفای نقش می‌پردازند. بابک خواجه‌پاشا پیش از این با فیلم سینمایی «در آغوش درخت» در چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر حضور داشت که موفق به دریافت سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه و دیپلم افتخار بهترین کارگردانی شد. این اثر اولین محصول مشترک سازمان هنری رسانه‌ای اوج و فارابی است که نویسندگی آن را امیر ابیلی و داود گنجوی به‌صورت مشترک برعهده داشته‌اند. در آبی روشن، پیمان عباس‌زاده مدیر فیلمبرداری، حسین جمشیدی‌گوهری تدوین، فرید سعادتمند موسیقی و امیر زاغری به‌عنوان طراح صحنه حضور دارد.